



۲۰۱۶/۰۶/۲۴



عارف عباسی

سانحه مرگبار آرلندوی فلوریدا (امریکا)

ما افغان ها در چنین موارد با دلایل مختلف کمتر اظهار نظر می کنیم، شاید یکی از دلایل بی اعتباری ما نسبت به نشرات و تبلیغات غرب باشد، و یا نخواهیم به رهروان افراطیت ملال خاطر ایجاد نمائیم، و یا نشود که از دین خود فاصله گرفته باشیم، و یا احتمالاً بنابر حکم تعقل در کاری که کار نداریم و برریشه و بنیاد آن معلومات ثقه در دست نیست چرا اظهار نظر کنیم.

شاید که هیچ یک از حدس و گمان فوق حقیقت نداشته باشد.

بهر حال بعضی حوادث با عواقب ناشی از آن صرف از دیدگاه آدمیت مورد بررسی قرار می گیرد که اصلاً برای حدوث آن هیچ نوع توجیه مقنع سراغ نمی گردد، مگر جنون. و این که مرتکب عمل چنین جنایتی، اگر یک فرد باشد، چه مفکوره داشته و چرا چنین کرده، و به نظر خودش عملی که انجام داده چه هدفی را تأمین نموده است دانستنش آسان نیست.

قبل از توضیحات در مورد چنین اعمال و حشیانه و جنایتکارانه می خواهم صادقانه به عرض برسانم که به مجرد شنیدن خبر یک حمله مسلحانه و قتل بیگناهان توسط گروهی، بنا بر دلایل روشن، همیشه دعا می کردم که عاملین آن مسلمان نباشند، که متأسفانه بعد از تحقیق معلوم می شد که مسلمان بوده اند. ولی سانحه قتل دسته جمعی ۴۹ نفر و مجروح شدن ۵۳ نفر در کلپ آرلندوی فلوریدا متأسفانه توسط جوان خوش صورت و رسا قامت اهل وطنم که در امریکا متولد شده صورت گرفت. برای من مثل هر انسان با احساس دیگر شنیدن این خبر از لحاظ تعداد قربانیان و هم انجام این عمل وحشیانه توسط یک افغان واقعاً دل شکننده و بی نهایت غم انگیز بود. و این جنایت بار اول است که نام افغان را که تا حال در چنین جنایاتی سهم نداشت در فهرست دیگران افزود و خانواده و هموطنان خود را در موقف ناگواری قرار داد.

دانستن این که چرا "عمر صدیق متین" به چنین جنایتی مبادرت ورزید و خون بی دلیل ریخت و بسی خانواده ها را سوگوار و داغ دار ساخت، و از خود زن بیوه و طفل معصوم یتیم بجا گذاشت،

- پیامد آن برای عالم بشریت و خودش چیست؟
- چه هدفی را بر آورده ساخت؟
- انگیزه چه بود؟ نفرت؟
- و یا عقیده سیاسی و یا دینی؟
- در هر حالت این عمل وحشیانه چه را تغییر داد؟

• کدام نتیجه مطلوب از آن حاصل شد؟

چون او دیگر زنده نیست که خودش توضیح می داد و تحت معاینات دقیق و منظم روانی قرار نداشت که عوارض و تکالیف روانی اش فهمیده می شد که شاید یک حالت خاص روانی او را به این عمل واداشته. برای مرتکبین بسی جنایات توسط امریکایی حالت روانی و عوارض آن سبب تیرنه شده.

بعد از گذشت سه هفته و تعقیب جوانب مختلف تحقیقات به صراحت می توان گفت که این جنایت وجه دینی و یا ملی نداشت، گرچه میدیای امریکا به استناد چند تلفون و اظهارات گمراه کننده اش وی را می خواهند در لحاف تروریزم اسلام افراطی بیچانند ولی تا حال شواهدی بدست نیامده که واقعاً این جوان توسط دولت اسلامی و کدام جریان دیگر تندر و استخدام شده باشد.

قضیه "صدیق متین" یک حادثه مجزا و استثنایی است، و بررسی گذشته، سوابق تعلیمی و کردار و اطوار او نشان می دهد که او یک فرد منحرف روانی و جنسی بوده است.

وقوع این حادثه از لحاظ زمان و نحوه مبارزات انتخاباتی برای کرسی ریاست جمهوری امریکا و برگزیدن اسلام به حیث یک حربه قوی سیاسی حائز اهمیت است و لو که چنین جنایت مولود اراده یک فرد مثل صد ها حادثه دیگر که توسط امریکایان اصیل غیر مسلمان صورت گرفته می باشد ولی مسلمان بودن مرتکب چنین جنایت به قضیه وجه دیگری می بخشیده به اصطلاح چاقوی دانلد ترمپ Donald Trump کاندید احتمالی حزب جمهوری خواه برای مقام ریاست جمهوری دسته یافت. نامبرده در دوران مبارزات انتخاباتی موضوع ستیز با اسلام را در صدر سیاست خود گنجانیده ظاهر از تروریزم اسلام افراطی می گوید ولی در واقعیت در برابر دین اسلام تنفر داشته آن را دین جنگ، خشونت، زن ستیز، ضد روابط هم جنسی، ضد پرئسیپ ها و فرهنگ و تمدن غرب و آماده زنده بلعیدن امریکا می داند، اگر جلو شان گرفته نشود.

دهشت افگنی ها توسط سازمان های متشکل افراطی در محلات آسیب پذیر اجتماع مردم Soft targets چون تیاتر ها، کلب ها، سندیوم های سپورتی و سالون های کنفرانس و غیره در حالی که دشمنی علنی با انسانیت بوده زندگی روز مره انسان ها را مختل ساخته با ایجاد تهلکه، دلهره، ترس و دهشت آرامش روانی مردم را به یغما برده و آزادی های مشروع مردم را دزدیده و توسط جنایات خود مردم را گروگان می گیرند.

مردم افغانستان با چنین شرائط بیگانه نبوده توسط هموطن خود به تحریک بیگانه هر روز نه تنها متحمل قربانی های بیحساب میگردد بلکه در اسارت این جنایات آرامش خاطر را از دست داده اطمینان زنده برگشتن بخانه محو گردیده. فشرده ای از پیامد های چنین جنایات را در سطح جهانی از جهات مختلف می توان مورد مطالعه قرار داد.

۱- تغییر ذهنیت عوام الناس غیر مسلمان:

چون نام اسلام با این اعمال گره خورده برای اکثریت اروپایان، امریکایی ها و مردمان سرزمین های غیر اسلامی فرصت آن میسر نیست که کتاب مسلمانان را به زبان خود شان با ترجمه و تفسیر بخوانند و دریابند که این اعمال تا چه حد خلاف احکام این دین است و جهاد در اسلام چگونه توضیح گردیده و یا کسب اطلاع در مورد روش صدر اسلام و یا درخشش عصر مطالای تمدن اسلامی مورد علاقه نبوده در نهایت امر با قوت تبلیغات سیستماتیک و طرح شده این دین به حیث دین عقب گرا، خشونت آمیز و ضد تمدن شناخته می شود.

علی الرغم ثروت سرشار نزد ممالک اسلامی و موجودیت تعداد بی شمار علمای دین و دسترسی مساویانه به فنون تکنولوژی غرض پخش اطلاعات ثقه به عوام الناس یا Mainstream ممالک غیر اسلامی توجه صورت نگرفته خلی بس بزرگی در زمینه وجود دارد. گاه و بیگاه در قبال چنین حوادث خونبار زیر نام اسلام فتوی ها و یا اعلامیه هایی از جانب انجمن های مختلف اسلامی غرض تقبیح همچو اعمال صورت می گیرد ولی تا حال کدام فعالیت چشمگیر سازمان یافته مستدام، منظم و منسجم برای روشن گری دیگران مطابق مقتضیات عصر و زمان صورت نگرفته. مدارس دینی در ممالکی چون پاکستان و ممالک افریقایی مصروف تبلیغ نفرت و صدور جوازنامه قتل مردم غیر مسلمان اند.

با وفرت و کثرت تعداد مساجد در امریکا و اروپا تبلیغ محدود به مسلمین بوده ملا امامان اکثراً فارغان مدارس بوده و به زبان ممالک میزبان آشنایی نداشته در معرفی اسلام به دیگران نظر به محدودیت ها نقشی ندارند. علمای جید اسلامی نظر به محدودیت های مالی و مجبوریت های امرار معیشت در کشور های غیر اسلامی در نبود مساعدت مالی کشور های ثروتمند اسلامی موفق به تشکل و سازماندهی نشده اند. دین اسلام هم بستگی لازم مفکوروی و تصمیم گیری را میان پیروانش ایجاد نکرده ملیت های مسلمانان در ممالک غیر اسلامی نقش بالاتر دارد.

۲- موقف مسلمانان متوطن در ممالک غیر اسلامی:

این اعمال تروریستی برای مسلمان در اروپا، امریکا، کانادا و استرالیا مشکلات و محدودیت های زیادی می آفریند. برای متعصبین زمینه ابراز تنفر ایجاد می گردد. مردم در برابر مسلمان سوء ظن و شک پیدا نموده و حتی الامکان از همسایگی با مسلمان می پرهیزند. از کرایه دادن و فروش خانه به مسلمان اجتناب می ورزند. تبعیضات به انواع مختلف بطور عیان و پنهان در محلات کار موجود است. حتی اطفال خورد سال در مکاتب از گزند این تعصبات که تأثیرات ناگوار روانی دارد در امان نبوده و خود مسبب انکشاف ذهنیت منفی در بین این قشر می گردد.

۳- تأثیرات بالای سیاست های امنیتی ممالک میزبان:

اگر تدابیر امنیتی به شکل افراطی آن مطابق طرز دید "دانلد ترمپ" تطبیق نگردد، این حوادث مسلمانان را بیشتر زیر ذره بین نظارت های گوناگون قرار داده آزادی های مدنی شان محدود می گردد. استخدام یک مسلمان برای وظیفه ای مراحل زیادی را پیموده حتی در بعضی کار های حساس اصلاً مسلمان استخدام نمی شود. و محدودیت هایی بر رفت و آمد شان وضع و بعضی ممالک از صدور ویزه به مسلمان ابااء ورزد.

در اروپا احزابی که عمیقاً مخالف سیاست های پناه جو پذیری اند در انتخابات امکانات به قدرت رسیدن شان بیشتر گردیده و به طور یقین درب های مملکت خود را به روی پناه گزینان مخصوصاً مسلمان می بندند و قیودات و محدودیت های فزونتر بر مسلمانان ساکن به ممالک خود وضع خواهند نمود، یکی از دلایل عمده اقدام انگلستان مبنی بر گسستن با اتحادیه اروپایی موضوع تغییر در سیاست پناه جو پذیری است.

موج عظیم پناه جویی که بعد از جنگ دوم جهانی بی سابقه است و اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهد انعطاف را در سیاست ممالک اروپایی ایجاد و اتحادیه اروپایی سهمیه های معین را برای پذیرفتن پناه جویان بر ممالک عضو

تعیین نموده و جرمنی سخاوتمندانه سرحدات خود را به روی مهاجرین باز نموده و اکثریت را پناه داد ولی حوادث پاریس و بروسل زنگ خطری برای اروپا بود که احتمالاً این آزادی را محدود ساخته و امکانات ورود پناه جویان را متوقف گردانند.

برای هر کشوری امنیت آن حائز اهمیت بوده و حق دارند که جلو سوء استفاده از آزادی های مدنی خود را گرفته و مصونیت را برای اتباع خود بهر قیمتی که باشد فراهم نمایند و نگذارند که هیچ نوع فعالیت دهشت افگنی آزادی هایی که جزء مدنیت و فرهنگ شان است در اسارت گرفته شود.

گیریم که گروه های افراطی به زیر نام اسلام موفق به کشتار تعداد بیشتر بیگناهان در این کشور ها گردد آیا عواقب ناشی از آن باعث تغییر در نظام های سیاسی این ممالک می گردد؟ و ذهنیت مثبتی برای اسلام و مسلمان ایجاد می نماید؟ و یا روابط سیاسی و اقتصادی جهان را تغییر می دهد؟. برعکس این ماجرا جویی ها فاصله بین اسلام و ادیان دیگر را وسیع تر و فراختر گردانیده یک فضای بی اعتمادی را بوجود آورده و روش مطلوب تفاهم بین ادیان و زیست باهمی را برهم می زند.

ممالک اسلامی که خود محکوم این جنایات اند علاوه به قربانی صدها هزار و مهاجر شدن ملیون ها خانوار خسارات بس بزرگ اقتصادی را متحمل می گردند. قبل از جنگ های نیابتی در سوریه به صد ها هزار سیاح از آثار ارزشمند و ناب تاریخی آن کشور دیدن نموده و درآمد توریزم رقم درشت عاید ملی این کشور را می ساخت. همچنان مصر از مدرک توریزم ملیون ها دالر عاید داشت.

اما امروز بعد از سقوط طیاره روسی بازار توریزم مصر بکلی کساد است و دکاکین عتیقه فروشان و دست گردانان مسدود بوده، هزاران تکیسی ران و ساربان اشتر ها بیکار و بی روزگار و در دهن صاحبان هتل ها و رستوران ها مگس خانه نموده و خسارات دولت از این ناحیه بی شمار است.

ترکیه که با تدابیر علمی و پلان گذاری های سنجیده شده با فراهم آوری بهترین تسهیلات درب های کشور خود را به روی سیاحین جهان باز نموده و سیل سیاحین از سرتاسر دنیا به ترکیه سفر نموده از بسته های خاص مسافرتی بهره می گرفتند متأسفانه با تهدید های دهشت افگنی ساحة توریزم ترکیه که ملیارد دالر بود مواجه به خطر است.

در میان این همه حوادث ناگوار دشمنان متشکل اسلام و افراطیون ادیان دیگر بهره می گیرند و اسلام در سطح جهانی در معرض خطر انقراض قرار داده شده.

۴- نگاهی به نقش افغان ها در اروپا و امریکا :

نکات نظر خاصی در مورد خود ما به حیث مسلمان و افغان وجود دارد که قابل تذکر دانسته می شود که با این رویداد ها بی ارتباط نیست.

والدین دانا، آگاه و خردمند افغان مسؤولیت بی نهایت مهم خود را در برابر تربیه اولاد خود در شرائط زندگی در غربت و دو فرهنگی درک نموده و آنها را تنها به ترحم مؤسسات تعلیمی نمی سپارند بلکه محیط خانه را به حیث مؤثر ترین مؤسسه پرورشگاه شخصیت و انکشاف ساحة دید و طرز برخورد با جامعه دانسته روابط صمیمانه را بر بنیاد کسب اعتماد و احترام با فرزندان خود نگه می دارند. طفلی ولو که در خارج وطن تولد شده باشد گذرانیدن ایام طفولیت در دامن یک خانواده افغان تأثیرات خاص بالای طرز دید و نحوه برخورد او با هم سالان امریکایی و اروپایی او دارد. جوان افغان در ساحة جاذبه دو قطب مخالف مقناطیسی قرار می گیرد که یکی فرهنگ متداول جامعه

و دیگری ارزش های فرهنگی کشور اصلی است. جوان افغان را این دوگانگی فرهنگی در آزمون های مختلف قرار می دهد، با غلبه احساسات جوانی و خون گرم بودن، کمترین بی انصافی، بی عدالتی و حق تلفی و تبعیض و یا تبصره های ناروا در مورد وطن اصلی اش و یا تعرضاتی به دینش احساسات وی را جریحه دار ساخته بر روانش تأثیر ناگوار می گذارد که امکانات آسیب پذیری او را به اتخاذ تصمیم خطیر و تبارز عکس العمل خشونت آمیز میسر می گرداند و صیدی مناسبی برای حلقه های دارای اهداف خاص می گرداند. این جاست که نقش والدین حکاک و دراک تبارز نموده با نهایت بردباری درب تفاهم و گفت و شنود را فراخ باز نموده به فرزند خود موقع صحبت بدهند و بیشتر شنونده باشند تا گوینده و با چنان مهارت و تدبیر بدون خشونت و عصبانیت فرزند را متوجه اهمیت پذیرفتن حقایق بسازند که برای او قابل تحمل نمی نماید و به جوان باید تلقین گردد که باید مقتضیات جامعه و پیروی اکثریت را از آن به حیث واقعیت درک نموده و از قاضی پیشگی پرهیخته بهترین راه ستیز فهم دانش، مطالعه و منطق و استدلال است. به طور مثال رواج هم جنس بازی بعدی عام گردیده که دین و سیاست در برابر آن عاجز مانده پسندیدن و ناپسندیدن مطرح نی بلکه به حیث یک واقعیت پذیرفته شود رهنمایی ها، نصیحت ها و پیشنهادات والدین در فضای صمیمیت و محبت توأم با حوصله مندی جوان را از لغزیدن به بیراهه ها ننگه می دارد. باید شرائط زندگی یک جوان با تمام رفاه مادی و بسی ارزش های انسانی با ملیون ها جوان محروم مخصوصاً از وطن اصلی خودش مقایسه گردد که نباید رایگان تلقی شده نا دیده گرفته شود. احتمالات تهلکه و خطر در یک دور و سن معین زیاد است ولی پا گذاشتن به سنین بالا و مدارج بلند تحصیلی پختگی می آفریند.

بهر حال برقراری روابط صمیمانه و احترام گذاشتن به حق اولاد توسط والدین بی نهایت حائز اهمیت است. من بسی موضوعات را از فرزندانم که همه تحصیلات عالی دارند می آموزم و بین ما علاوه بر روابط دوستانه پدری و فرزندی زمینه گفت و شنود به حیث یک عنعنه وجود دارد و بعد مسافه و زندگی های مستقل آن را تضعیف نکرده. متأسفانه اقلیت هایی در جامعه ما (مخصوصاً امریکا) وجود دارد که با وصف برخوردار بودن از بسی امتیازات کهن سالی و گرفتن مساعدت های جانز و نا جانز و بهره گیری از تسهیلات طبی هیچگاه راضی و قانع نبوده شب و روز خویش را با نفرت و بدبینی می گذرانند. چنین والدین روابط با فرزندان شان به نحو تعارفاتی و تشریفاتی بوده علاقمندی به دانستن شرائط زندگی اولاد وجود ندارند و اغلباً احساس نفرت و بدبینی خود را به اولاد خود انتقال می دهند.

من شنیدم که هموطنی در حالی که هیچ مشکلی ندارد و در رفاه نسبی زیسته و فهرست آن چه از دولت دستیاب می کند طولانی است، از پول کمک ها خود و خانم صاحبه چند بار به زیارت بیت الله شریف مفتخر گردیده و در کابل عروسی پر شکوه و مجللی برای پسر نمودند گفت « ای کاش زیر تانک و روس (روس) می مردم و به این ملک پدر نالت (لعنت) نمی آمدم، این مردم همه جناور (جانور) اند. نه آدمیت است و نه ترحم و نه احترام. لچی، لقی و بی عورتی را ببین

طبعاً این نوع طرز دید بالای افکار اولاد و نواسه های حاجی صاحب تأثیر ناگوار داشته و تخم نفرت را در دماغ و سینه های شان می کارد که عواقب بس وخیم بار می آورد و تصمیم شان با چنین ذهنیت ها قابل پیش بینی و نظارت نیست و زندگی این قشر در همین ملک بستگی دارد و راه دیگری سراغ نمی گردد.

پایان